

تعامل فرهنگ، زبان، و ترجمه- رویکردی انسان شناختی: کاربردهای آموزشی و پژوهشی در مطالعات بین فرهنگی و بین زبانی

علی محمد محمدی (دانشجوی دکتری آموزش زبان انگلیسی دانشگاه اصفهان)
a-mohammadi@arak.ac.ir

چکیده

بحث اصلی این مقاله، تحلیل محتوایی گفتمان محققان در عرصه مطالعات زبان و ترجمه درباره تعامل فرهنگ، زبان و ترجمه با هدف کشف مبانی و متغیرهای تاثیرگذار در این تعامل است. در بررسی کلان دیدگاه‌های ترجمه‌شناسان، زبان‌شناسان و مترجمین درباره چگونگی تعامل فرهنگ، زبان و ترجمه مشخص شد که ۷۶/۶۹٪ بر ماهیت فرهنگی ترجمه نظر دارند، ۶۷/۴۴٪ تعامل فرهنگ و زبان را تجزیه و تحلیل نموده‌اند و ۶۰/۴۶٪ بر تاثیر چارچوب متفاوت دو جهان و فرهنگ بر مبانی اقدامات مترجم معتقدند. تحلیل خرد دیدگاه‌ها نشان داد ۸۶٪ دیدگاه‌ها درباره تاثیر فرهنگ بر رفتار گفتمانی مترجم می‌باشد و ۳۵/۱۳٪ محققین نیز بر این باورند که ترجمه‌ها در طول تاریخ، بر ماهیت فرهنگ‌ها و هویت ملی انسان‌ها موثر بوده‌اند. نتیجه نشان می‌دهد که زبان‌ها از طریق فرهنگ‌ها گسترش می‌یابند و فرهنگ‌ها از طریق زبان و فرهنگ در کانون عوامل مؤثر در کاربرد موفق زبان در جامعه قرار دارد و باعث کشف، گسترش و رشد امکانات، روش‌ها و راهبردهای یادگیری زبان و ترجمه می‌گردد. هدف آموزش زبان، ادبیات و ترجمه، شناخت افکار انسان- هاست و در فرآیند آموزش ارتباطات بین فرهنگی و بین زبانی لازم است تعاملی منطقی میان این متغیرها ایجاد گردد. بنابراین، لازمه اتخاذ چنین رویکردی بازنگری و تحول در ابعاد گوناگون نظام آموزش زبان، ادبیات و تربیت مترجم از قبیل تهیه و تدوین مطالب درسی، برنامه‌ریزی آموزشی و پژوهشی و مبانی ارزشیابی می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ، ترجمه، زبان، آموزش زبان، تربیت مترجم.

۱- مقدمه

فرهنگ، زبان و ترجمه پدیده‌های تشکیل دهنده نظام جامع ارتباط انسانی هستند و رابطه زبان و فرهنگ مثل رابطه قلب و بدن انسان می‌باشد. حیات هر دو متغیر به همدیگر وابسته است؛ بنابراین زبان و فرهنگ دو پدیده مستقل محسوب نمی‌شوند (بسنت، ۱۹۸۰). در اثبات درهم تنیدگی زبان و فرهنگ محقق دیگری به نام لاتمن (۱۹۷۸) منقول در جیمز (۲۰۰۷) معتقد است که هیچ زبانی وجود خارجی پیدا نمی‌کند مگر این‌که در بافت و قالب فرهنگ غوطه‌ور گردد و هیچ فرهنگی هم پا به عرصه حیات نمی‌گذارد مگر این‌که در مرکز نقل خود ساختار طبیعی یک زبان را داشته باشد.

در گستره آموزش زبان و ترجمه، ابعاد زبانی انتقال مفهوم تنها بخش محدودی از این فرایند را تشکیل می‌دهد. چون که در این فرایند، مجموعه گسترده و پیچیده‌ای از معیارهای فرازبان‌شناختی نیز باید مطالعه گردد. این مقاله بر آن است تا با رویکردی توصیفی، تحلیلی و تطبیقی دیدگاه‌های پژوهشگران در عرصه مطالعات ارتباطی انسان مثل آموزش زبان و ترجمه را تجزیه و تحلیل نماید و چگونگی تعامل فرهنگ، زبان و ترجمه را از نگاه آنان بازخوانی کند. برای رسیدن به این هدف، دیدگاه‌های ۴۳ ترجمه‌شناس، زبان‌شناس و مترجم تجزیه و تحلیل می‌گردد تا دریابیم الزامات آموزش زبان، ادبیات و تربیت مترجم چیست. از این محققین ۳۲/۵۵٪ ایرانی و مابقی ۶۷/۴۵٪ غیر ایرانی هستند. در تحلیل دیدگاه‌های ترجمه‌شناسان، زبان‌شناسان، و مترجمین در گستره تعامل فرهنگ، زبان و ترجمه مقوله‌های ماهیت فرهنگی ترجمه، تعامل فرهنگ و زبان، تأثیر فرهنگ بر ترجمه و تأثیر ترجمه بر فرهنگ استنباط، استخراج و تحلیل می‌گردد.

۲- ماهیت ترجمه

در تحلیل محتوایی دیدگاه‌های محققین حوزه ترجمه در می‌یابیم که مطابق نمودار شماره ۱، ۷۶/۶۹٪ پژوهشگران در باره ماهیت فرهنگی ترجمه اظهار نظر نموده‌اند. این محققین علل

و ابعاد مختلفی برای اثبات ماهیت فرهنگی ترجمه بیان نموده‌اند. در این بخش، چهار موضوع فلسفه نگرش فرهنگی ترجمه و رویکرد بین فرهنگی-زبانی بررسی می‌گردد.

۲-۱: فلسفه نگرش فرهنگی نسبت به ماهیت ترجمه

بر اساس نمودار شماره ۲، ۶۶/۶٪ محققین معتقدند ترجمه ماهیتی فرهنگی دارد. در اثبات ماهیت فرهنگی ترجمه، توری (۱۹۹۵، صص ۲۴ و ۲۹) معتقد است ترجمه‌ها حقایق فرهنگ‌های مقصدند. به خاطر این‌که این فرهنگ‌ها هستند که ترجمه‌ها را می‌پذیرند و هر نقش و هویتی که ترجمه‌ها داشته باشند، جزء همان فرهنگ می‌باشند و نظام همان فرهنگ را منعکس می‌کنند. ترجمه‌شناسانی چون لفویر (۱۹۹۲)، اون زهر (۱۹۹۰، ص ۹۴) و سایمون (۱۹۹۶، ص ۱۴۳) درباره فلسفه رویکرد فرهنگی نسبت به ماهیت ترجمه اذعان می‌دارند که متغیر اصلی در ایجاد شرایط و موقعیت انتقال پیام در فرایند ترجمه فرهنگ است و برای کشف ابعاد گوناگون فرایند ترجمه لازم است متغیرهای فرهنگی مورد توجه خاص قرار گیرند. اسپووک (۲۰۰۰، ص ۳۹۸) و دلابا ستیتا (۱۹۹۰) منقول در اوسیمو (۲۰۰۴) با مطالعه روش‌ها و راهبردهای ترجمه معتقدند به خاطر این‌که بافت اساسی ترجمه را قرار دادهای فرهنگی، ایدئولوژیکی و اجتماعی تشکیل می‌دهد و در قالب این قرار دادها، راهبردها و روش‌های ترجمه ای مبتنی بر فرهنگ بروز و ظهور پیدا می‌کند، پس ترجمه اساساً ماهیتی فرهنگی دارد. پرز (۲۰۰۱، ص ۲۰۴) با اتخاذ رویکرد نشانه شناختی، بر این باور است که ترجمه پدیده‌ای است نشانه-شناختی که مسائل فرهنگی-اجتماعی در کانون آن قرار دارد.

عزیدفتری (۱۳۷۵، ص ۹) ویژگی‌ها و ارزش‌های فرهنگی را تعیین کننده پایه‌ها و اصول فرایند ترجمه می‌داند. ایویر (۱۳۷۰) در تأییدها ماهیت فرهنگی ترجمه معتقد است که ترجمه خود روشی است برای ایجاد ارتباط میان دو فرهنگ. برای نشان دادن ابعاد فرهنگ - محور ترجمه، جدیری (۱۳۶۹، ص ۹۶) ترجمه را فرایندی بر اساس هنجارها می‌داند که در قالب ساختار فرهنگی جامعه صورت می‌گیرد. هارنبای (۲۰۰۵، ص ۱۱۰) با بررسی شبکه

روابط گوناگون در ترجمه معتقد است که فرهنگ نقش اصلی را در ایجاد تعامل میان متغیرهای این شبکه ایفا نموده و آن را هدایت می‌کند. ریس (۲۰۰۰، ص ۱۹) هم در بیان ماهیت فرهنگی ترجمه، معتقد است که معیارهای فرهنگ مقصد و متغیرهای فرازباشناختی مبنای کار مترجم در فرایند ترجمه‌اند.

بر اساس مطالعه رابطه معنا و فرهنگ، بیکر (۱۹۹۲، ص ۴) معتقد است که معنا در محیطها و موقعیت‌های گوناگون فرهنگی ظهور پیدا می‌کند و فرهنگ ویژگی‌های تعاملات انسانی را شکل می‌دهد و می‌تواند فرایند انتقال پیام در ترجمه را تحت تأثیر قرار دهد. هاشمی (۱۳۶۹) چارچوب‌های فرهنگی را زمینه ساز و هدایت کننده فرایند ارتباط انسانی در ترجمه می‌داند. نایدا (۲۰۰۰، ص ۱۴۳) و نایدا (۱۳۶۵، ص ۲۰) بر مبنای مطالعه قلمروهای فرهنگی به این نتیجه می‌رسد که زمینه‌های فرهنگی شرایط جامع تعاملات ارتباطی انسانی و سرانجام ماهیت ترجمه را تعیین می‌کند.

۲-۲: رویکرد بین فرهنگی - زبانی

از آنجا که مشکلات ترجمه در گستره متن مربوط به بافت فرهنگی-زبانی ایجاد کننده آن است، مطالعات ترجمه نمی‌تواند این بافت را تجزیه و تحلیل نکند. لذا گروهی از محققین با اتخاذ رویکردی بین فرهنگی-زبانی نسبت به ماهیت ترجمه معتقدند که ترجمه دارای دو بال فرهنگی و زبانی می‌باشد (آرمسترانگ، ۲۰۰۵، ص ۳۰). مطابق نمودار شماره ۲، ۴/۴۳٪ پژوهشگران در این زمینه اظهار نظر نموده‌اند. توری (۱۹۹۵، ص ۳۳) اذعان می‌دارد که وقتی اسم ترجمه روی متنی گذاشته شود؛ با پدیده جدید و دیگری در فرهنگ و زبان دیگر مواجه هستیم که دارای هویتی بین فرهنگی و بین زبانی می‌باشد و به خاطر این که این فعالیت حداقل در برگیرنده دو فرهنگ و دو زبان می‌باشد.

عزبدفتری (۱۳۷۵، ص ۱۰) ویژگی‌ها و ارزش‌های فرهنگی و زبانی را نماد تعیین کننده حدود اختیارات مترجم می‌داند که فرایند عملی ترجمه را شکل می‌دهند. هارنبای (۲۰۰۵، ص ۱۱۲) معتقد است که چارچوب‌های فرهنگی - زبانی، فرایند فعال‌سازی در گستره ترجمه را به

وجود می‌آورند تا تعامل بین خواننده و نویسنده تسهیل گردد. به نظر نایدا (۱۳۶۵) قلمروهای فرهنگی - زبانی ابعاد اساسی فرایند ترجمه را تشکیل داده و زمینه ارتباط در فرایند ترجمه را فراهم می‌کنند. به نظر سهیلی (۱۳۶۵، ص ۱۹) قالب‌های ایجاد شده در نتیجه در هم تنیدگی زبان و فرهنگ ابعاد اساسی ترجمه و زمینه‌ها و شرایط انتقال پیام را فراهم می‌کنند. نیومارک (۱۹۸۸، ص ۹۵) با توجه به نحوه شکل‌گیری معنا، اذعان می‌دارد که معنا در قالب زبان و فرهنگ نمود پیدا می‌کند و تعاملات فرهنگی - زبانی زمینه‌های انتقال آن در فرایند ترجمه را به وجود می‌آورند.

۳- تعامل فرهنگ و زبان

هدف محقق در بررسی تعامل بین متغیرها، شناخت عمیق‌تر یک پدیده، توصیف و تحلیل منطقی ابعاد گوناگون آن، و تأثیر و تأثر آن بر دیگر پدیده‌ها و یا پدیده‌های دیگر بر آن پدیده می‌باشد (فرهادی، ۱۳۸۰). ریساگر (۲۰۰۶، ص ۱۰) در کتاب خود با عنوان "زبان و فرهنگ" تعامل این پدیده‌های انسانی را بررسی می‌کند. به طور کلی بر این باور است که زبان فرهنگ است و فرهنگ زبان و آن دو از هم جدایی ناپذیر بوده و نماد یکدیگرند. همچنین از نظر آرمسترانگ (۲۰۰۵، ص ۲۱) زبان وسیله‌ای است برای انعکاس مفاهیم فرهنگی می‌باشد و مفاهیم فرهنگ-وابسته نیز در اجزا و عناصر زبانی رمزگذاری می‌شوند. این قسمت پژوهش به تحلیل محتوایی دیدگاه‌های ترجمه‌شناسان درباره تعامل فرهنگ و زبان می‌پردازد. مطابق نمودار شماره ۱، ۶۷/۴۴٪ پژوهشگران (۲۹ نفر از ۴۳ نفر) تعامل و رابطه فرهنگ و زبان را مورد مطالعه قرار داده‌اند. در مجموع سه متغیر اثبات تعامل، متنیت اثر، و الزامات ارتباط انسانی را پژوهشگران بررسی کرده‌اند.

۳-۱: اثبات تعامل

مطابق نمودار شماره ۳، ۵۸/۶۲٪ دیدگاه‌های پژوهشگران (۱۷ نفر از ۲۹ نفر) درباره توصیف و اثبات تعامل زبان و فرهنگ می‌باشد. گروهی از محققین (سهیلی، ۱۳۶۵) و نیومارک،

۱۹۸۸) ماهیت عناصر و اجزای زبانی را مورد مطالعه قرار داده و به این نتیجه رسیده‌اند که وجود عناصر زبانی با بار معنایی فرهنگی و اصالت فرهنگی در متون، نماد در هم تنیدگی و تعامل فرهنگ و زبان است. جمع دیگری از پژوهشگران از جمله هتیم و میسن (۱۹۹۰) منقول در مایر (۱۹۹۸)، زهر (۱۹۹۰)، و پرز (۲۰۰۱) علم نشانه‌شناسی فرهنگی زبان را سمبل این تعامل می‌دانند و معتقدند که از طریق تأثیر و تأثر نظام‌های معنایی، فرایندهای مختلف ارتباطی، و چارچوب‌های فرهنگی این تعامل ظهور پیدا می‌کند.

ترجمه‌شناسانی مثل اسپوک (۲۰۰۰)، سایمون (۱۹۹۶)، هارنبای (۲۰۰۵)، ریس (۲۰۰۰)، بیکر (۱۹۹۲)، جدیری (۱۳۶۹)، ایویر (۱۳۷۰)، و هاشمی (۱۳۶۹) با بررسی رابطه بین تفکر، زبان، و فرهنگ اذعان می‌دارند که پیدایش معنی در گستره ارتباطات انسانی در چارچوب ارزش‌ها و قرار دادها و شبکه‌های به هم پیوسته فرهنگی زبانی صورت می‌گیرد. ظهور معنی در نتیجه تعامل بین تفکر و ذهن و زبان انسان امکان پذیر می‌گردد. به این ترتیب که عناصر زبانی از یک طرف شکل و ساختار پیام و تفکر را مشخص می‌کنند و از طرف دیگر تحت تأثیر فرهنگ منعکس کننده نمادهای ساختار فرهنگی اجتماع هستند. موضوع دیگری که مبین همبستگی و در هم تنیدگی فرهنگ و زبان است، شرایط تبادل متون و ارتباطات انسانی است: به نظر گروهی از پژوهشگران ویلیامز و چسترمن (۲۰۰۲)، لفویر (۱۹۹۲)، توری (۱۹۹۶)، پرز (۲۰۰۱)، هاشمی (۱۳۶۹)، نایدا (۲۰۰۰)، هارنبای (۲۰۰۶)، ورمیر (۲۰۰۰)، ورمیر (۱۹۹۸)، و صلحجو (۱۳۸۴) - تعامل محیط فرهنگی - اجتماعی با عناصر زبانی زمینه‌ای را فراهم می‌کند که ساز و کارها و قالب‌های متنی در کنار چارچوب‌های فرهنگی قرار می‌گیرد.

۲-۳: متنیت اثر

متن چیست؟ ویژگی‌های به وجود آورنده آن کدامند؟ باید مجموعه‌ای از شرایط و متغیرها کنار هم جمع شود تا از نظر زبان‌شناسی نوشتاری متن تلقی گردد. برای یافتن پاسخ به سؤالات فوق دیدگاه‌های سه ترجمه‌شناس و چهار زبان‌شناس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. از نظر ترجمه‌شناسان متن ماهیتی ارتباطی دارد و هدف آن ایجاد ارتباط و تعامل می‌باشد و

ویژگی‌های متن تابع موقعیتی است که متن در آن قرار گرفته و یا در آن تولید می‌گردد و موقعیت هم تحت تأثیر متغیرهای فرهنگی قرار دارد. از نظر نورد (۲۰۰۵، ص ۱۳) متن نشانه‌ای ارتباطی و فرهنگ محور بوده و ویژگی‌های آن بر اساس موقعیت انتقال پیام مشخص می‌گردد. رایبسون (۱۹۹۷، ص ۲۰۷) معتقد است که پایه و اساس متن را موقعیت ارتباطی تشکیل می‌دهد که در نتیجه تعامل افراد در یک موقعیت اجتماعی پایه به عرصه وجود می‌نهد. بل (۱۹۹۱، ص ۵۹) هم اذعان می‌دارد که متن ماهیتی ارتباطی داشته و لازمه آن قرار گرفتن در موقعیت و توجه به شرایط و الزامات اجتماعی است که فرهنگ بخش عمده آن را تشکیل می‌دهد.

مطابق نمودار شماره ۳، ۷۵/۸۶٪ پژوهشگران (۲۲ نفر از ۲۹ نفر) درباره ماهیت و شرایط و الزامات متن اظهار عقیده نموده‌اند. این محققین از رویکردهای گوناگون شرایط به وجود آورنده متن را بررسی نموده‌اند. از نظرا کثر این محققین (۸۶/۳۶٪) ۱۹ نفر از ۲۲ نفر - متن پدیده‌ای نشانه شناختی است و در نتیجه تعامل زبان و فرهنگ شکل می‌گیرد و ۱۳/۶۳٪ پژوهشگران پیدایش و ظهور متن را وابسته به متغیرهای فرهنگی تلقی می‌کنند. در رویکرد "فرهنگی - زبانی" محققین نسبت به ماهیت متن، ارتباط انسانی محور تحقیقات قرار گرفته است، جمعی از پژوهشگران (لفویر، ۱۹۹۲؛ ریس، ۲۰۰۰؛ ویلیامز و چستر من، ۲۰۰۳؛ بیکر، ۱۹۹۲؛ نورد، ۲۰۰۵؛ لی و خو، ۲۰۰۳ و اسپیوک، ۲۰۰۰) نگرشی کلی و عام اتخاذ نموده و معتقدند شبکه ارتباطی پویا و خلاق انسانی، یعنی متن در نتیجه تعامل و در هم تنیدگی ذهن و زبان با فرهنگ و قرار دادهای فرهنگی به وجود می‌آید.

۴- تاثیر فرهنگ

رفتار گفتمانی انسان از طریق زبان بروز پیدا می‌کند. فعالیت‌های زبانی همیشه حالتی فرهنگی دارند، به خاطر این‌که در بافت فرهنگ نمود و ظهور پیدا می‌کنند. بنابراین، فرهنگ مدیریت رفتار گفتمانی انسان در جامعه را از ابعاد گوناگونی بر عهده دارد (ریساگر، ۲۰۰۶). این بخش مطالعه عوامل تاثیر و ابعاد تاثیر را تجزیه و تحلیل می‌کند. مطابق نمودار

شماره ۱۸۶٪ (۳۷ نفر از ۴۳ نفر) پژوهشگران درباره دو متغیر فوق بحث نموده‌اند. عوامل تاثیر گذار شامل متغیرهای فرهنگ وابسته هستند و ابعاد تاثیر دربرگیرنده فراورد ترجمه است که مسائل مختلفی را شامل می‌شود.

۴-۱: عوامل موثر

طبق نمودار شماره ۴، متغیرهای بافت فرهنگی توجه ۵۶/۷۵٪ محققان را به خود جلب نموده‌اند. بافت فرهنگی دارای متغیرهای گوناگونی است که فرایند و فراورد ترجمه را تحت تاثیر قرار می‌دهند. جمعی از پژوهشگران (رمک ریشنا، ۲۰۰۰؛ هاروی، ۲۰۰۰؛ فرحزاد، ۱۳۸۳؛ دلاباستتیا، ۱۹۸۰ در اوسیمو ۲۰۰۴؛ پاپویش، ۱۹۷۰، در اوسیمو، ۲۰۰۴؛ هاشمی، ۱۳۶۹؛ جدیری ۱۳۶۹) بافت فرهنگی را در برگیرنده قرار داده‌ای فرهنگی - اجتماعی و رویکردهای کلان فرهنگی می‌دانند. تعداد دیگری از پژوهشگران (اون زهر، ۱۹۹۲؛ توری، ۱۹۹۵؛ خزاعی فر ۱۳۸۴؛ لفویر ۱۹۹۲؛ ریس ۲۰۰۰؛ بیکر ۱۹۹۲؛ رابینسون ۱۹۹۷؛ ملانظر، ۱۳۸۳؛ لفویر، ۱۹۹۲؛ توری، ۱۹۹۵) ملاک‌ها، معیارها، و هنجارهای فرهنگی را از مقوله‌های بافت فرهنگی قلمداد می‌کنند و به این نتیجه می‌رسند که هنجارهای فرهنگ مقصد در هر مرحله فرایند ترجمه دخالت دارند و زمینه‌ساز و شکل‌دهنده بافت فرهنگی می‌باشند. خزاعی فر (۱۳۸۴)، ریس (۲۰۰۰) و بیکر (۱۹۹۲) معیارهای غالب در فرهنگ مقصد و هنجارهای ترجمه ای پذیرفته شده در آن را عامل به وجود آوردنده بافت فرهنگی به شمار می‌آورند.

جمعی از محققین دانش فرهنگی را عامل تاثیر گذار در شکل گیری بافت فرهنگی می‌دانند. رابینسون (۱۹۹۷، ص ۱۲۷) معتقد است توانش و آگاهی بین فرهنگی حاصل از تجربه فرهنگ‌ها منشاء پیدایش بافت فرهنگی می‌باشد. هارنباي (۲۰۰۶، ص ۱۱۳) و ونوتی (۱۹۹۸) دانش فرهنگ مقصد را عامل ظهور بافت فرهنگی را در نظر می‌گیرد. بعضی دیگر از محققین نگرش‌ها و دیدگاه‌ها در فرهنگ مقصد را تجزیه و تحلیل می‌نمایند. یارمحمدی (۱۳۷۹) با بررسی تاثیر نگرش از رویکردی نقش‌گرایانه اذعان می‌دارد که نقش افراد در چارچوب موضع

گیری‌های فرهنگی، شبکه‌ای مرتبط را به وجود می‌آورد که وابستگی نقش افراد به فرهنگ را مشخص و معین می‌کند و منشاء پیدایش بافتی فرهنگی-اجتماعی می‌گردد.

۴-۲- ابعاد تاثیر

عوامل و متغیرهای فرهنگی از ابعاد گوناگون ترجمه را تحت تاثیر قرار می‌دهند. گروهی از محققان ابعاد کلان، مسائل کلی و انتزاعی را مورد توجه قرار داده‌اند و جمع دیگری هم ابعاد خرد تاثیر فرهنگی بر ترجمه را مطالعه نموده‌اند.

۴-۲-۱- مسائل و ابعاد کلان

ابعاد کلی و کلان تاثیر فرهنگ بر فرایند ترجمه شامل مسائل کلی، گسترده و پیچیده‌ای می‌باشد که بخشی از آن مسائل قبل از اقدام عملی ترجمه را شکل می‌دهد و بخشی دیگر اقدامات در هنگام انجام ترجمه را بررسی می‌کند.

۴-۲-۱-۱: مسائل قبل از انجام ترجمه

قبل از انجام ترجمه موارد مختلفی مورد توجه ۵۴٪ محققین قرار گرفته‌است (نمودار ۴). این مسائل شامل انتخاب اثر، دیدگاه‌ها و شناخت، هدف‌گذاری و هنجارها و ارزش‌ها می‌گردد. محققانی چون رمک ریشنا (۲۰۰۰)، ونوتی (۲۰۰۰)، رایبسنون (۱۹۹۷) و صلحجو (۱۳۸۴) تاثیر فرهنگ بر انتخاب اثر برای ترجمه را از ابعاد گوناگونی مورد مطالعه قرار داده‌اند. رمک ریشنا (۲۰۰۰) جو استعمار زده و حرکت‌ها و جنبش‌های ضد استعمار انگلیس موجود در صحنه کشور هند را محرک مترجمین در گزینش اثر برای ترجمه تلقی می‌کند و معتقد است که معمولاً آثار نویسندگان غیر انگلیسی و بعضاً ضد انگلیسی را ترجمه شده‌اند. رایبسنون (۱۹۹۷) و ونوتی (۱۹۹۸) فرهنگ را جزء متغیرهای اصلی تاثیر گذار در فرایند انتخاب اثر (ادبی) برای ترجمه می‌دانند. صلحجو (۱۳۸۴) شرایط خاص اجتماعی و فرهنگی را عامل پیدایش ترجمه‌ها و انتخاب اثر برای ترجمه می‌داند و اذعان می‌دارد که شرایط

فرهنگی و سیاسی سال‌های اول انقلاب اسلامی در ایران، مترجمین ایرانی را به سوی ترجمه آثار خاصی هدایت نمود و ترجمه‌های انجام شده در این برهه از تاریخ کشور ایران را محصول همان شرایط تلقی می‌کند.

تأثیر متغیرهای فرهنگی بر شناخت از ابعاد گوناگونی مورد مطالعه پژوهشگران قرار گرفته است. شناخت دارای مبانی دو گانه است: فکری و عملی. در حوزه مبانی فکری و نظری شناخت، محققین شناخت جامعه، شناخت اثر، و شناخت ارتباط زبان و واقعیت‌ها را مورد بررسی قرار داده‌اند. سایمون (۱۹۹۶، ص ۱۳۷) بر اساس مطالعه تعامل زبان و جامعه معتقد است که متغیرها و بافت فرهنگی به ما کمک می‌کنند تا نحوه ارتباط زبان با واقعیت‌های محلی اشکال و انواع ادبی و هویت‌های در حال تحول را شناسایی نماییم. گروهی از محققین تأثیر گذاری عوامل فرهنگی بر متغیرهای مختلف اجتماعی را مورد مطالعه قرار داده‌اند. ورمیر (۲۰۰۰، ص ۲۳۰) با بررسی مقتضیات زمانی و مکانی اذعان می‌دارد که دانش فرهنگ مقصد منجر به شناخت مسائل و مقتضیات زمانی و مکانی می‌گردد. یارمحمدی (۱۳۷۹) با پژوهش در باره نقش افراد در جامعه به این نتیجه می‌رسد که با شناخت نقش افراد در چارچوب اجتماع می‌توان منظور کلام را دقیق‌تر و عینی‌تر مشخص نمود.

۴-۲-۱-۲: مسائل حین انجام ترجمه

بخش دیگر ابعاد کلان تأثیر فرهنگ در برگزیده مسائل و رفتارهای هنگام ترجمه می‌گردد که ۴۰/۵۴٪ پژوهشگران در باره آن اظهار نظر نموده‌اند (نمودار ۵). در هنگام انجام ترجمه، مترجم تحت تأثیر متغیرهای فرهنگی اقداماتی را اتخاذ می‌کند که شامل معنا بخشی به متن در قالب استنباط و حل مسئله، خلاقیت در کشف و آفرینش رابطه‌ها، و تولید متن در چارچوب رفتارهای هنجار محور می‌گردد. به نظر نورد (۲۰۰۵، ص ۱۲) استنباط شرایط و ویژگی‌های موقعیت قبل از خواندن، حین خواندن، و بعد از خواندن صورت می‌گیرد. بخش دیگر تأثیر پذیری در هنگام ترجمه موضوع حل مسئله، کشف، و آفرینش خلاقانه رابطه هاست. از نظر لفویر (۱۹۹۲) به کمک فرهنگ مترجم به حل مشکلات منبعث از جهان گفتمانی متن اقدام

می‌کند. جیمز (۲۰۰۷) تاثیر فرهنگ را در قالب شناخت مشکلات و کشف امکانات حل مسئله بررسی می‌نماید. از نظر هاروی (۲۰۰۰، ص ۴۵۰) خلق صحنه‌های طبیعی و نظام مند، یعنی نگارش متن در عالم ترجمه از طریق پایش، پالایش، و هدایت فرایند ترجمه، بخش دیگر تاثیرپذیری را شکل می‌دهد که در چارچوب کشف و آفرینش رابطه‌ها بین متغیرها صورت می‌پذیرد.

شناخت شبکه پویای زبان مقصد، از طریق کشف و آفرینش رابطه بین تعبیرات زبانی و فرهنگ مسیر است. نتیجه تعامل بین تعبیرات زبانی و فرهنگ انسجام است که اساس و پایه نگارش متن را شکل می‌دهد (پارمحمدی، ۱۳۶۹، ص ۷۹). از نظر ریساگر (۲۰۰۶) زبان فرهنگ است و فرهنگ زبان و از نظر زبان شناسی به نام "ورف" زبان آینه تفکر است و در فرایند تفکر انسان با چینش ایده‌ها سروکار دارد و این کار به کمک اجزاء و عناصر زبانی در چارچوب مولفه های فرهنگی صورت می‌گیرد (جدیری، ۱۳۶۹). بعد دیگر مطالعه، کشف، و آفرینش رابطه‌ها به موضوع ایدئولوژی مربوط است. ویلیامز و چسترمن (۲۰۰۱) معتقدند بخش دیگر کار محقق در پژوهش‌های ترجمه را بررسی رابطه بین ترجمه و رویکردهای ایدئولوژیکی تشکیل می‌دهد. ایدئولوژی تاثیر و نمود موسسه‌های گوناگون اجتماعی و سیاسی بر ساختار زبان است. رویکردهای ایدئولوژیکی بر کاربرد زبان تاثیر گذارند. شناخت جهت گیری‌های ایدئولوژیکی یک جامعه، امکانات فراوانی را در اختیار مترجم محقق قرار می‌دهد و دست او را در خلق رابطه‌ها باز می‌گذارد (محمدی، ۱۳۷۸، ص ۲۴۵).

۴-۲-۲: مسائل و ابعاد خرد

ابعاد خرد تاثیر فرهنگ در برگیرنده مسائل نرم افزاری تاثیرپذیری ترجمه از فرهنگ است که بیشتر به مسائل عملی، روش‌ها و راهبردها مربوط است. این بخش پژوهش انطباق‌های مختلف و توسعه روش‌ها و راهبردها را بررسی می‌کند.

۴-۲-۱: انطباق

محققانی چون رمک ریشنا (۲۰۰۰) و پاپویش (۱۹۷۰) منقول در اوسیمو (۲۰۰۴) انطباق به طور عام را مطرح نموده اند. و منظورشان از انطباق هم انطباق با شرایط فرهنگ مقصد است. اسپیک (۲۰۰۰) هم ایجاد تغییرات در هویت فرهنگی متن را مطرح می‌کند. هاروی (۲۰۰۰) نگرشی جزئی تر را اتخاذ نموده و معتقد است تحت تاثیر محدودیت‌ها و اولویت‌های فرهنگی تغییرات، حذف‌ها، و افزایش‌هایی صورت می‌گیرد و در نتیجه متن هویت جدیدی پیدا می‌کند.

۴-۲-۲: راهبردها و روش‌ها

بخش دیگر تاثیرپذیری شامل راهبردها و روش‌ها می‌گردد که ۴۷٪ محققان آن را بررسی کرده‌اند (نمودار شماره ۴). راهبردها، فرایندهای ذهنی هستند که زمینه پیدایش فرایندهای خلاق در بعد عملی ترجمه را فراهم می‌کنند و به کمک آن‌ها انسان توانش و کنش خود در استفاده از زبان را فعال می‌کند تا به تواند فرایند "یادگرفتن روش یادگیری" یعنی حل مستقل مسائل را تسهیل نموده و از دانش خود به نحو احسن و به جا استفاده نماید. این فرایندها شامل راهبردهای اجتماعی و شناختی می‌شوند. راهبردهای اجتماعی ابزار مدیریت تعامل را به ارمغان می‌آورند. راهبردهای شناختی در برگیرنده امکانات برای درونی کردن و خودکارشدگی دانش، یعنی یادگیری و استفاده از دانش فراهم می‌کنند (نونان، ۱۹۹۵، ص ۱۶۸). فرهنگ لغت کمبریج راهبرد را مهارت برنامه ریزی برای انجام کارهای حساس تعریف می‌کند. به کمک راهبردها انسان دانش قبلی در ذهن خود را فعال می‌نماید و یا به دانش دسترسی پیدا می‌کند. راهبرد هم به روش‌های هشیارانه و غیر هوشیارانه اشاره دارد و هم به تاکتیک‌های آشکار و فرایندهای ذهنی مرتبط است (سگوینات، ۱۹۹۱، ص ۷۹). نوبرت (۱۹۹۱، ص ۲۲) راهبرد را توانایی حل مشکلات بر خاسته از تفاوت بین زبان‌های مبدا و مقصد می‌داند. از نظر توری (۱۹۹۵، ص ۱۲) نقش ترجمه، راهبردهای ترجمه ای مترجم و رابطه بین متون مبدا و مقصد را هدایت می‌کند. ترجمه‌های صورت گرفته در فرهنگ‌های گوناگون رابطه بسیار زیادی با

راهبردهای اتخاذ شده مترجمین داشته و ساختار متون ترجمه شده و رابطه آن‌ها با متن اصلی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. راهبردهای مترجم، ساختار متنی-زبانی منتج از آن‌ها، رابطه ترجمه با متن اصلی را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

۵- تأثیر ترجمه

مطابق نمودار شماره ۱، در حوزه تأثیر ترجمه بر فرهنگ ۳۵/۱۳٪ محققین اظهار نظر نموده‌اند. در اثبات در هم تنیدگی زبان و فرهنگ سماور (۱۹۸۱) در جیمز (۲۰۰۷) معتقد است "تعاملات زبانی انسان فرهنگ است و فرهنگ هم تعاملات زبانی". عوامل متعددی بر این تعاملات در هم تنیده تأثیر گذارند و ترجمه یکی از آن‌هاست. گروهی از محققین رویکردی عام و کلی اتخاذ نموده‌اند و گروهی دیگر نگرشی خاص و تخصصی. گروه اول (نیومارک، ۱۹۸۸؛ ملانظر، ۱۳۸۳؛ ویلیامز و چسترمن، ۲۰۰۳) به طور کلی اظهار نموده‌اند که ترجمه بر فرهنگ تأثیر گذار است و باعث تحول متغیرهای فرهنگی می‌گردد و ذکر از مسائل خاص و جزئی نمی‌نمایند. گروه دوم پژوهشگران سه متغیر تاثیر بر ماهیت فرهنگ، اعتلای مؤلفه‌ها، معرفی ابعاد فرهنگ، و خلاقیت و نوآوری را تجزیه و تحلیل نموده‌اند.

۵-۱: تاثیر بر ماهیت فرهنگ

در حوزه تأثیر ترجمه بر ماهیت فرهنگ مطابق نمودار شماره ۱۵/۵، ۳۸٪ اظهار نظر نموده‌اند. سایمون (۱۹۹۶، ص ۱۳۴) نگرشی جهانی نسبت به رابطه بین ترجمه و فرهنگ اتخاذ می‌کند و معتقد است که ترجمه‌ها بستر جهانی شدن فرهنگ را فراهم می‌کند و آن را به چهار راهی برای گفتگو بین ملت‌ها تبدیل می‌کنند. انسان‌ها از طریق ترجمه به مطالعه و بررسی دیگر فرهنگ‌ها پرداخته و نقاط قوت و ضعف آن‌ها را کشف می‌کنند و با ابعاد گوناگون فرهنگ خویش

۱ Communication is culture and culture is communication.

مقایسه می‌نمایند و در نتیجه نگرش‌ها، عادات، آداب، و رسوم آنان دچار تحول و دگرگونی می‌شود و سرانجام ماهیت فرهنگ تغییر می‌یابد.

۲-۵: اعتلای مؤلفه‌های فرهنگی

در گستره اعتلای مؤلفه‌های فرهنگی ۵۳/۸۴٪ پژوهشگران ابراز عقیده نموده‌اند (نمودار ۵). نقش آفرینی ترجمه در فرهنگ از نظر ورمیر (۱۹۹۸، ص ۶۱) در حوزه تعامل بین فرهنگی نمود پیدا می‌کند و باعث می‌شود این تعاملات گسترده‌تر، دقیق‌تر، و انسانی‌تر گردند. در تعامل بین فرهنگ‌ها متون مبادله می‌گردد و مبادله متون هم از طریق ترجمه و اقدامات مترجم صورت می‌گیرد. از نظر این محقق هدف ترجمه، ویژگی‌های آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد و تغییر هدف در فرایند ترجمه منجر به پیدایش نوع خاصی از متن با آثار مختلف فرهنگی اجتماعی می‌گردد.

سایمون (۱۹۹۶) با بررسی تاثیر ترجمه بر پیوند فرهنگ‌های پراکنده معتقد است که آن زمینه تحرک و توسعه هویت‌ها را فراهم نموده است. ملت‌ها به کمک ترجمه از طریق شناخت هویت دیگران به شناخت، گسترش، و تقویت مبانی هویت ملی خویش اهتمام می‌کنند. توری (۱۹۹۵، ص ۳۴) با مطالعه گستره متغیرها در فرایند ترجمه بر این باور است که در نتیجه تعامل خلاقانه مترجم با متن اصلی مرزهای فرهنگی، نشانه‌شناختی، و زبان‌شناختی متحول گردیده و مرزهای مصنوعی فرهنگی بین ملت‌ها و تمدن‌ها در نوردیده می‌شود و تعاملات گوناگون بین ملت‌ها تسهیل می‌گردد و بسیاری از مشکلات و سوء تفاهم‌ها بر طرف می‌شود.

۳-۵: معرفی و اطلاع رسانی

بر اساس نمودار شماره ۵، ۳۰/۷۶٪ دیدگاه‌ها در باره مسئله روشنگری و اطلاع رسانی در گستره فرهنگ است. مسائل مختلفی مورد توجه و تأکید پژوهشگران قرار گرفته است. در این حوزه ترجمه، همانند آیینی عمل نموده و به معرفی و بازشناساندن مؤلفه‌ها و مقوله‌های مرتبط با فرهنگ اقدام می‌نماید. سایمون (۱۹۹۶، ص ۱۳۴) با طرح موضوع اطلاع رسانی درباره

دیگر فرهنگ‌ها اذعان می‌دارد که از یک طرف ترجمه باعث می‌گردد تا مخاطب شناخت کافی از فرهنگ‌های پراکنده و جدا از هم به دست آورد. این امر از طریق نمایش ابعاد گوناگون آن‌ها مثل روش‌های انتقال افکار، نحوه تعامل انسان‌ها در یک فرهنگ، و خلاقیت‌های فرهنگ‌ها صورت می‌گیرد و از طرف دیگر ترجمه رویکردهای گوناگون را در درون یک فرهنگ و بین فرهنگ‌ها را مشخص می‌کند و با معرفی نیروهای سیاسی به‌وجود آورنده آن‌ها پیچیدگی‌های تبادل فرهنگی درون یک جامعه یا بین دو جامعه را نشان می‌دهد.

صلحجو (۱۳۸۴، ص ۷) بر اساس بررسی تاثیر ترجمه بر ارتباطات انسانی اظهار می‌دارد که ترجمه آینه‌ای است که ویژگی‌ها و متغیرهای تعامل بین فرهنگی را به نمایش می‌گذارد و می‌تواند انسان را در کشف، گسترش، و اتخاذ روش‌های متعادل ارتباطی یاری کند. سایمون (۱۹۶۹، ص ۱۳۷) از دو جهت تاثیر روشنگرانه ترجمه را بررسی می‌کند. به نظر وی ترجمه از طرفی نقاط تعامل، اتصال، و تبادل رویکردهای روشنفکرانه و زبان شناختی بین فرهنگ‌ها را مشخص می‌کند. از طرفی دیگر، ترجمه می‌تواند پیچیدگی‌ها، گستره، و مولفه‌های گوناگون تبادل فرهنگی درون یک جامعه و بین دو جامعه را نشان‌دهد (سایمون، ۲۰۰۰، ص ۲۲)

۴-۵: خلاقیت و نوآوری

بخش دیگر اثر بخشی ترجمه در گستره فرهنگ شامل خلاقیت و نوآوری می‌گردد. خلاقیت و نوآوری بستر پیدایش نهادها و حرکت‌های فرهنگی-اجتماعی، حل مشکلات در حوزه فرهنگ، تحولات در حوزه فعالیت‌های فرهنگی، و نوآوری در عالم فکر و اندیشه را فراهم می‌کند (نمودار شماره ۵، ۶۱.۵۳٪). فرحزاد (۱۹۸۳) و رمک ریشنا (۲۰۰۰) تاثیر گذاری ترجمه در گستره فرهنگ را شامل پیدایش نهادها و حرکت‌های اجتماعی می‌دانند. این محققین بر این باورند که رویکردها و نگرش‌های خلاقانه مترجمین در ابعاد گوناگون ترجمه

از انتخاب متن برای ترجمه گرفته تا مبانی اتخاذ روش‌های ترجمه منشاء تحولات گسترده فرهنگی - اجتماعی در جامعه است.

به نظر ورمیر (۲۰۰۰) مسئله دیگر در حوزه تاثیرخلاقانه ترجمه در عالم فرهنگ پیدایش انواع متون است. ترجمه می‌تواند در یک فرهنگ متون گوناگونی را معرفی و ابداع نماید. در یک صد و پنجاه سال گذشته ترجمه زمینه پیدایش سبک‌های گوناگون نگارشی در فرهنگ و زبان فارسی به وجود آورده است و زمینه ابداع رویکردهای جدیدی در میان نویسندگان و ادیبان ایرانی را ایجاد کرده است (امامی، ۱۳۷۳؛ دریا بندری، ۱۳۷۶). بخش دیگر نوآوری در زمینه فرهنگ در برگیرنده حل مشکلات در عالم فرهنگ می‌گردد. به نظر توری (۱۹۹۵)، ص ۲۷) ترجمه‌ها می‌توانند در حکم ابزاری برای پر کردن خلاءهای فرهنگی در جامعه مقصد عمل کنند. در هر بخشی از فرهنگ مقصد که خلاءها بروز و نمود پیدا کنند، فرهنگ مقصد به کمک ترجمه، با بهره‌برداری از فرهنگی که فاقد این خلاءهاست، خلاءهای خود را پر می‌کند. ترجمه این کار را به دو روش انجام می‌دهد نخست این که ترجمه نیازها و نقاط ضعف مختلف فرهنگ مقصد را به کمک نقاط قوت دیگر فرهنگ‌ها برطرف می‌کند. راه دوم استفاده از راهبرد هنجار گریزی است. هر فرهنگی در نظام خود محدودیت‌ها، رسوم و هنجارهایی دارد.

۶- بحث و بررسی

در تحلیل دیدگاه‌های محققین درباره تعامل بین فرهنگ و ترجمه مشخص گردید که ۷۶/۶۹٪ پژوهشگران عرصه ترجمه ماهیتی فرهنگی برای ترجمه قائل‌اند. در صد بالایی است و بدان معناست که از نظر این محققین ترجمه‌ها جزء حقایق فرهنگ محسوب می‌گردند. متغیرهای فرهنگی شبکه‌ای از روابط را به وجود می‌آورند که کیفیت، شرایط، و ویژگی‌های تعاملات انسانی را شکل می‌دهند. گروه محدودی از محققین با اتخاذ (۴/۴۳٪) نگرشی بین فرهنگی - زبانی نسبت به ترجمه، معتقدند که ترجمه پدیده‌ای متعلق به فرهنگ و زبان است. منشاء دیدگاه این گروه در هم‌تنیدگی فرهنگ و زبان است. به علاوه گروه محدودتری

(۲۱/۷٪) از پژوهشگران نگرش بین فرهنگی نسبت به ماهیت ترجمه دارند. با وجود پایین بودن این در صد، این موضوع نیازمند مطالعه بیشتر و گسترده تر می باشد. به خاطر اینکه از منظر این دیدگاه عناصر و اجزای اصلی ترجمه را تعامل بین فرهنگی تشکیل می دهد و فرایند ترجمه فرایند ارتباط میان دو فرهنگ است.

۶۹٪ پژوهشگران برای گسترش و تقویت کنش و توانش ترجمه ای الزاماتی را قایل شده اند. دیدگاه های آنان تفاوت بسیاری با نظرات پژوهشگران قبل از دهه هشتاد دارد. این محققین دانش زبان مبدأ، مقصد و موضوع را متغیرهای اساسی ترجمه مطرح نمی کنند. به نظر این کارشناسان، شرط توفیق، پویایی، و کاربرد خلاقانه زبان در فرایند ترجمه توجه به نشانه شناسی فرهنگی، باز سازی ارزش های فرهنگی، و آگاهی و توانایی حاصل از تجربه فرهنگ هاست و به کمک متغیرهای سه گانه فوق، ذهن، زبان، کنش و توانش ترجمه ای مترجم فعال می گردد.

بخش سوم مقاله، تعامل فرهنگ و زبان در خدمت ترجمه را تجزیه و تحلیل کرده - است ۷۷/۴۴۰٪ محققین در این باره اظهار نظر نموده اند. این در صد بالا اثبات می کند که زبان فرهنگ است و فرهنگ زبان، یعنی این که زبان و فرهنگ نماد یک دیگر می باشند و وجود متون با اصالت فرهنگی دلیل این مدعا محسوب می گردد و زمینه های در هم تنیدگی زبان و فرهنگ را فراهم می کند. از موارد عینی این تعامل نظام فکری انسان است. فرهنگ نظام فکری انسان را شکل می دهد و این نظام هم در قالب عناصر زبانی ظهور پیدا می کند. بخش دیگر این تعامل را پیدایش متن و تبادل متون بین انسان ها تشکیل می دهد. زبان شناسان و ترجمه شناسان متن را پدیده ای ارتباطی، وابسته به موقعیت، با محوریت فرهنگ و متغیرهای فرهنگی، و در هم تنیده با زبان تلقی می کنند. بخش دیگر مقاله به تجزیه و تحلیل تأثیر فرهنگ بر ترجمه می پردازد. ۸۶٪ پژوهشگران بر این باورند که فرهنگ مدیریت رفتار گفتمانی مترجم را از نظر عوامل تأثیر و ابعاد تأثیر بر عهده دارد. در صد بسیار بالایی است و مسائل مورد توجه این محققین نظام معرفت شناسی جامعی را به وجود می آورد که می تواند زمینه تدوین برنامه ریزی

آموزشی جامعی را برای تربیت مترجم فراهم نماید. بخش پایانی مقاله، تأثیر ترجمه بر فرهنگ را تجزیه و تحلیل می‌کند. در این زمینه ۳۵/۱۳٪ محققین اظهار نظر نموده‌اند. درصد بالایی نیست. اما اینجا مسئله کمیت مطرح نیست بلکه نگاه و نگرش مهم است که نباید از آن غفلت گردد. از نظر پژوهشگران، ترجمه ماهیت فرهنگ را متحول می‌نماید و زمینه جهانی شدن آن را فراهم می‌کند و می‌تواند در نقش نیرویی مثبت در خدمت حفظ و تقویت زبان و فرهنگ عمل نماید. همچنین ترجمه مولفه‌های فرهنگی را اعتلا می‌بخشد و باعث می‌گردد که تعاملات بشری گسترده‌تر، دقیق‌تر و انسانی‌تر شوند. همچنین ترجمه به ملت‌ها کمک می‌کند تا با تجزیه و تحلیل هویت دیگران به شناخت، گسترش، تقویت، پایش، و پالایش، هویت ملی خویش اقدام نمایند.

۷- نتیجه و کاربردهای آموزشی و پژوهشی

دیدگاه‌ها و نظرات ترجمه‌شناسان، زبان‌شناسان و مترجمین درگستره تعامل فرهنگ و ترجمه در پنج حوزه خلاصه می‌گردد: ماهیت فرهنگی ترجمه، تعامل فرهنگ و زبان، مبانی تصمیمات مترجم، تأثیر فرهنگ بر ترجمه، و تأثیر ترجمه بر فرهنگ. از نظر این پژوهشگران، ابعاد نظری و عملی ترجمه ماهیتی فرهنگی دارد و آینه فرهنگ است. به خاطر این که فرهنگ نگرش مترجم را شکل می‌دهد و نگرش هم روش‌ها و راهبردها را هدایت می‌کند؛ یعنی این که ویژگی‌ها، ارزش‌ها، و هنجارهای فرهنگی تعیین‌کننده اصول و مبانی نظری و عملی ترجمه می‌باشند. محققان زبان و فرهنگ را نماد یکدیگر می‌دانند و معتقدند پیدایش معنی در گستره ارتباطات انسانی در چارچوب ارزش‌ها، قرار داده‌ها، و شبکه‌های به هم پیوسته فرهنگی-زبانی صورت می‌گیرد.

این مقاله دیدگاه‌های کارشناسانی را تجزیه و تحلیل نموده‌است که یا خودشان مترجم بوده‌اند یا مدیریت طرح‌های ترجمه بین‌المللی را بر عهده‌داشته‌اند (مثل نایدا، بیکر، صلحجو و)؛ بنابراین، دیدگاه‌های آنان دیدگاه یک نظریه پرداز صرف نمی‌باشد. استنباط آموزشی این مطالعه این است که در نظام آموزش و تربیت مترجم در آموزش عالی ما این متغیرها مورد

توجه قرار نمی‌گیرند. هر ساله دانشگاه‌های کشور به ارائه دوره کارشناسی تربیت مترجم با برنامه و سر فصل‌های سی سال پیش اقدام می‌کنند که توفیق چندانی ندارد. به خاطر این که نظام طراحی آموزشی مدون و به روز ندارند. کاربرد آموزشی دیگر این پژوهش به موضوع آموزش زبان با هدف تربیت مترجم مربوط است. آیا نظام آموزش و یادگیری زبان در عالم تربیت مترجم می‌تواند به مسائل عام بسنده کند؟ با توجه به ماهیت فرهنگی ترجمه، نظام آموزش زبان در تربیت مترجم نمی‌تواند نسبت به علم میان رشته‌ای مطالعات فرهنگی بی تفاوت باشد. به خاطر این که در آموزش زبان و ترجمه در جستجوی شناخت افکار انسان‌ها هستیم و لازمه آن انسان شناسی است و در انسان شناسی هم تاکید فراوانی بر مطالعه فرهنگ وجود دارد. اهمیت چنین رویکردی زمانی مشخص می‌گردد که با جامعه و محیطی چند فرهنگی سر و کار داشته باشیم. لذا باید برای علم مطالعات فرهنگی در گستره آموزش زبان و آموزش مترجم جایگاه خاصی در نظر گرفت و دروسی به این رشته اضافه نمود و درس‌هایی حذف کرد تا از اتلاف سرمایه‌های کشور، یعنی وقت جوانان و استادان جلوگیری گردد. استنباط پژوهشی این مطالعه این است باید پژوهشگران عرصه مطالعات ترجمه نحوه انتقال موفق پیام، تأثیر عوامل اجتماعی و روان شناختی در این فرایند را تجزیه و تحلیل نمایند. همچنین به کمک مطالعات تطبیقی و توصیفی راز موفقیت ترجمه یک مترجم و علل عدم توفیق مترجم دیگر را باید معرفی نماییم تا روشن گر و راهنمای نظام تربیت مترجم و مترجمان آینده باشیم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
کتابنامه

- آسیایی، حمید. (۱۳۸۳). «ایدئولوژی و ترجمه». در فرحزاد (۱۳۸۳)، ۱۶۹-۱۸۳.
- امامی، کریم. (۱۳۷۳). «گفتگو با کریم امامی». مترجم: شماره ۱۶، ۱۴-۲۲.
- ایویر، ولادیمیر. (۱۳۷۰). «روش‌های ترجمه عناصر متفاوت فرهنگی». ترجمه سید محمدرضا هاشمی. مترجم: شماره ۲، ۳-۱۴.
- بیکر، مونا. (۱۳۷۴). «مصاحبه با محقق و مدرس ترجمه مونا بیکر». مترجم: شماره ۱۹، ۱۴-۲۲.

- پور جوادی، نصرالله. (۱۳۶۵). در باره ترجمه: برگزیده مقاله ها. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- جدیری، سلیم. (۱۳۶۹). «نظری به دیدگاه های فرهنگی در رابطه با ساختمان زبان و کاربرد آن در ترجمه». در لطفی پور (۱۳۶۹)، ۹۵-۱۰۳.
- خزاعی فر، علی. (۱۳۸۴). «گفتگو با علی خزاعی فر». مترجم: شماره ۴۰، ۹۷-۱۱۹.
- (۱۳۷۸). مجموعه مقالات اولین همایش ترجمه ادبی در ایران. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- (۱۳۸۳). «ترجمه ادبی از منظر زبان و فرهنگ مقصد». مترجم: شماره ۳۹-۳، ۹.
- دلباستیتا، درک. (۱۳۸۴). چشم انداز مطالعات ترجمه در قرن بیست و یکم. ترجمه علی حاج محمدی. مترجم: شماره ۴۰، ۴۹-۵۳.
- سهیلی، ابوالقاسم. (۱۳۶۵). «دیدگاه های نقد ترجمه». فصلنامه ترجمه: شماره ۲، ۵-۳۹.
- صلحجو، علی. (۱۳۸۴). «ترجمه و شرایط فرهنگی». مترجم: شماره ۴۲، ۵-۱۵.
- فرزاد، فرزانه. (به کوشش) (۱۳۸۳). مجموعه مقالات ۲ هم اندیشی ترجمه شناسی. تهران: یلداقلم.
- عزیدفتری، بهروز. (۱۳۷۵). «در باره تحلیل روانشناختی فرایند ترجمه». مترجم: شماره ۲۱، ۷-۱۳.
- فرزاد، فرزانه. (۱۳۸۳). سیر تحول مطالعات ترجمه در پنجاه سال اخیر. در فرزاد (۱۳۸۳)، ۲۵-۳۱.
- فرهادی، حسین (۱۳۸۰) اصول و روش تحقیق ۱ و ۲. تهران: دانشگاه پیام نور.
- لطفی پور، کاظم. (به کوشش) (۱۳۶۹). مجموعه مقالات کنفرانس بررسی مسایل ترجمه تبریز. تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.
- محمدی، علی محمد. (۱۳۷۸). «جهت گیری های ایدئولوژیکی مترجم و ترجمه آثار ادبی». در خزاعی فر (۱۳۷۸)، ۲۳۹-۲۴۹.
- ملانظر، حسین. (۱۳۸۳). «مطالعات ترجمه و موانع آن». در فرزاد (۱۳۸۳)، ۲۵-۳۱.
- نایدا، یوجین. (۱۳۶۵). «نقش مترجم». ترجمه سعید باستانی. در پورجوادی (۱۳۶۵)، ۱۵-۳۵.
- هاشمی، محمد حسین. (۱۳۶۹). «عناصر فرهنگی اجتماعی در ترجمه رهیافتی مردم شناختی». در لطفی پور (۱۳۶۹)، ۱۲۸-۱۴۵.
- یارمحمدی، لطف الله. (۱۳۶۹). «نظری نو به تعبیرات استعاری و مسائل مربوط به ترجمه آن ها». در لطفی پور (۱۳۶۹)، ۷۵-۸۱.
- یارمحمدی، لطف الله. (۱۳۷۹). «بهره گیری مترجم از تحلیل گفتمان». مترجم: شماره ۳۲، ۳-۱۱.

- Armstrong, N. (۲۰۰۵). *Translation, Linguistics, Culture*. Toronto: Multilingual Matters LTD.
- Baker, M. (۱۹۹۸). *Translation Studies*. in Baker, ed. (۱۹۹۸). pp. ۲۷۷-۲۸۰.
- Baker, M. ed.(۱۹۹۸). *Encyclopaedia of Translation Studies*. London: Routledge.
- Bell.T. Roger.(۱۹۹۱). *Translation and Translating*. London: Longman.
- Even-Zohar, I. (۲۰۰۰). *The Position of Translated Literature Within The Literary Polysystem*. in Venuti (ed)(۲۰۰۰) pp. ۱۹۲-۱۹۸.
- Genzler, E. (۱۹۹۳). *Contemporary Translation Theories*. London: Routledge.
- Harton, D. (۱۹۹۵). *George Buchner's "Lenz" in English*. Babel: Vol. ۴۱.No. ۲. pp.۶۵-۸۶.
- Harvey, K. (۲۰۰۰). *Translating Camp Talk: Gay Identities and Cultural Transfer*. In Venuti (۲۰۰۰). pp ۴۴۶-۴۶۸.
- Holmes, J. S. (۲۰۰۰). *The Name and Nature of Translation Studies*. in Venuti (ed) (۲۰۰۰). pp. ۱۷۲-۱۸۶.
- Horenby, M. S. (۲۰۰۶). *The Turns of Translation Studies*. Amsterdam: John Benjamins.
- Lefever, A. (۲۰۰۰). *Mother Courage's Cucumbers, Text, System, and Refraction in a Theory of Literature*. in Venuti (ed) (۲۰۰۰). pp. ۲۳۳-۲۵۰.
- Lefever, A. and S. Basnett. (۱۹۹۲). *Translation, History, Culture*. New York: Routledge.
- Lefever, A.(۱۹۹۲). *Translation, Rewriting, And The Manipulation Of Literacy Fame*. London: Routledge.
- Levi, J. (۲۰۰۰). *Translation as a Decision Process*. in Venuti (ed) (۲۰۰۰). pp. ۱۴۸-۱۶۰.
- Li, J. and S., Xu. (۲۰۰۳). *Foregrounding as a Criterion for Translation Criticism*. Babel: Vol.۴۹. No.۴. pp.۳۰۲-۳۱۰.

- Maier, C. (١٩٩٨). *Reviewing and Criticism*. in Baker (ed) (١٩٩٨) pp. ٢٠٤-٢١٠.
- McAlester, G.(١٩٩٩).*The Source Text in Translation Assessment*. in Anderman, Gunilla and Margaret Rogers. (eds).(١٩٩٩). Il. ١٦٩-١٧٩.
- Naaijken, T.(٢٠٠٦). *The World of Poetry: Anthologies of Translated Poetry as a subject of Study*. Neophilogus: Vol. ٩٠. No. ٣. pp. ٥٠٩-٥٢٠.
- Neubert,A.(١٩٩١). *Models of Translation*. in Tirkkonin- Codit (١٩٩١).pp. ١٧-٢٧.
- Newmark, P. (١٩٨٨). *A Textbook of translation*. New York: Prentice Hall.
- Nida. E. (٢٠٠٠).*Principles of Correspondance*. In Venuti (٢٠٠٠).pp. ١٢٦-١٤١.
- Nord, C. (٢٠٠٥). *Text Analysis in Translation*.Amsterdam: Rodopi.
- Nunan, D. (١٩٩٥). *Language Teaching Methodology*. New Your: Phoenix ELT.
- Osimo, B. (٢٠٠٤). *Translation Course*. Retrieved From: http://www.logos.it/pls/dictionary/linguistic_resources.traduzione_en?lang=en.
- Perez, C. M. (٢٠٠١) *A Three- level Methodology for Descriptive-Explanatory Translation Studies*.Target:١٣:٢.pp. ٢٠٣-٢٤١.
- Ramakrishna, S. (٢٠٠٠). *Cultural Transmission Through Translation*.in Simon and Pierre(٢٠٠٠). Pp.٨٧-١٠١.
- Resager, K.(٢٠٠٦). *Language and Culture*. Multilingual Matters LTD
- Robinson, D. (١٩٩٧). *Becoming a Translator, An Accelerated Course*. London: Routledge.
- Seguinot, C. (١٩٩١). *A Study of Student Translation Strategies*. in Tirkkonin-Codit (١٩٩١).pp. ٦٧-٧٩.
- Simon, S. and Paul St. Pierre. Eds. (٢٠٠٠). *Changing The Terms*. India: Orient Longman Nath Limited.
- Simon. S.(١٩٩٥). *Gender in Translation, Cultural Identity and The Politics of Translation*. London: Routledge.

Spivak, G. C. (۲۰۰۰). *The Politics of Translation*. In Venuti (۲۰۰۰). pp.۳۹۷-۴۱۷.

Tirkkonin- Codit, S. (۱۹۹۱). *Empirical Researches in Translation and Intercultural Studies*. Germany: Gunter Nerr Verlag.

Toury, G. (۱۹۹۵). *Descriptive Translation Studies and Beyond*. Amsterdam: John Bejamins.

Toury, G. (۲۰۰۰). *The Nature and Role of Norms in Translation*. in Venuti (ed) (۲۰۰۰). pp. ۱۹۸-۲۱۳.

Venuti, L. (۱۹۹۵). *The Translator's Invisibility. A History of Translation*. London: Routledge.

Venuti, L. (۲۰۰۰). *The Translation Studies Reader*. London: Routledge.

Vermmeer, H. J. (۲۰۰۰). *Skopos and Comission in Translation Action*. In Venuti (۲۰۰۰). pp. ۲۲۱-۲۳۳.

Vermmeer, H.J.(۱۹۹۸). *Didactics of Translation*. In Baker (۱۹۹۸). Pp۶۰-۶۳.

Williams, J. and A. Chesterman.(۲۰۰۲). *The Map, A Beginner's Guide to doing Research in Translation Studies*. Manchester: ST Jerome.

نمودارها





